

نقش و اثر امام خمینی (ره) در تکوین و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد بهادری جهرمی^{۱*}، کمال کدخدامرادی^{۲**}

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۱

چکیده

در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ یکی از راهبردها و راهکارهای اساسی امام خمینی (ره)، تأسیس نظام سیاسی و حقوقی نوین مبتنی بر تدوین قانون اساسی جدید بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه مهم‌ترین بنیاد حکمرانی بیش از آنکه برگرفته از نظریات هر حقوقدان یا نظریه‌پردازی باشد، برگرفته از آرا و نظرهای امام خمینی (ره) است. بر همین اساس کاوش در نحوه تأثیرگذاری آرا و نظرهای امام خمینی (ره) در تکوین و شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرسش اصلی این تحقیق را رقم می‌زند که با روشی توصیفی-تحلیلی، تحلیل و بررسی می‌شود. نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته نشان داد که هم فرایند شکلی تدوین قانون اساسی اعم از تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تصویب نهایی و بازنگری در قانون اساسی و هم محتوا و مفاد و چارچوب نظام حکومتی اسلامی ترسیم‌شده در قانون اساسی تحت تأثیر نظرهای امام خمینی (ره) تکوین و تدوین یافته است. بر همین مبنا می‌توان گفت که برداشت و تفسیر درست و صحیح و اصیل از مفاد قانون اساسی، براساس آموزه‌های مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، تفسیری است که در بردارنده نظرهای قطعی‌الابراز امام در خصوص مورد بوده و حداقل با نظرها و دیدگاه‌های تفصیلی و علمی ارائه‌شده توسط ایشان تعارضی نداشته باشد.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، تدوین و تکوین قانون اساسی، امام خمینی (ره)، جمهوری اسلامی ایران.

* Email: m.bahadori@modares.ac.ir

** Email: kakhodamoradi@gmail.com

مقدمه

قانون اساسی مهم‌ترین سند سیاسی و حقوقی یک کشور و متضمن عالی‌ترین قواعدی است که از یک سو اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و کیفیت توزیع قدرت در میان افراد و نهادها را تبیین می‌کند و از سویی در مقام تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان برمی‌آید (قاضی، ۱۳۸۸، ۳۹). جنبش قانون اساسی‌گرایی اگرچه در نظام حقوقی ایران در سال ۱۲۸۵ عینیت پیدا کرد و جامعه ایرانی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نظم و نظام حقوقی خود را بر مدار قانون اساسی مشروطه سامان می‌داد، در عمل نتوانست مقصود و آرمان مشروطه‌خواهان را برآورده کند. از همین‌رو چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نمایان شدن بارقه‌های پیروزی نهضت اسلامی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، ایده تدوین قانون اساسی جدید را متناسب با اقتضائات نظام اسلامی مطرح کردند.

بدیهی است که فرایند تهیه و تدوین و تصویب قانون اساسی جدید تا از طرف امام خمینی (ره) آغاز و پیگیری نمی‌شد و همچنین نوع حکومت و ساختاربندهی نظام سیاسی اسلامی از سوی ایشان تبیین نمی‌شد، قانون اساسی جدید کارکرد بهینه خود را براساس اصول و ضوابط اصیل اسلامی نمی‌یافت، چراکه اندیشه‌ها و برداشت امام خمینی (ره)، به‌مثابه بنیانگذار انقلاب اسلامی از شکل حکومت در اسلام، مبنای اصلی شیوه ترسیم‌شده حکومت در قانون اساسی است؛ نظرهای ایشان انعکاس خواست و نظر توده مردم تلقی می‌شود؛ وکالت نمایندگان مردم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، محدود به رعایت خواست مشروع مردم بوده است و بازنگری در قانون اساسی نیز با رویکرد تأمین دیدگاه‌ها و نظرهای امام صورت گرفته است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۲۰۰). بر همین اساس وجدان بیدار ملت به رهبری امام خمینی (ره) ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت^۱ و از همین‌رو بیش از آنکه خواستار تدوین و تکوین قانون اساسی مبتنی بر نظریات هر حقوقدان یا نظریه‌پردازی باشد، خواستار تدوین و تکوین این قانون براساس آرا و نظرهای امام خمینی بود و جامعه عمل به آن پوشاند.

بنابر مطالب مذکور بررسی این مطلب که امام خمینی (ره) در تدوین و تکوین قانون اساسی چه تأثیراتی داشتند، از موضوعات نیازمند تأمل و بررسی است که فارغ از دستاوردهای تاریخی آن، مبین مبانی قانون اساسی و خاستگاه موضوعی و تاریخی تدوین و بازنگری در آن است. اهمیت دیگر کاوش نقش محوری نظرهای امام (ره) در تدوین و تصویب و تغییر قانون اساسی به تفسیر اصول قانون اساسی بر می‌گردد. توضیح مختصر آنکه از آن‌جا که «قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران از پیشینه‌ای بهره می‌برد که بخش عمده‌ای از آن، در شیوه عمل و اندیشه امام خمینی نهفته است» (خلیلی، ۱۳۷۷، ۲۲۵)، از این رو یکی از مبانی‌ای که می‌تواند موجب پذیرش مدخلیت نظرهای امام خمینی (ره) در مقام تفسیر قانون اساسی باشد، توجه به جایگاه و نقش ایشان در شکل‌گیری و تکوین قانون اساسی است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۳۷)؛ قانونی که به تعبیر ایشان بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۳۷).

این پژوهش در قالب توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که امام خمینی (ره) چه تأثیراتی بر تکوین و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ فرضیه نویسندگان آن است که بازتاب اندیشه حکومت‌داری امام خمینی (ره) در جریان تهیه پیش‌نویس قانون اساسی و تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و هدایت این مجلس در بررسی و تصویب قانون اساسی و بازنگری در آن، حکایت از سهم مؤثر ایشان در فرایند شکلی تصویب قانون اساسی از یک سو و نقش راهبردی ایشان در معماری پایه‌های مشروعیت نظام و شکل‌گیری مفاهیم و نهادهای بنیادین قانون اساسی از سوی دیگر دارد. برای پاسخ به پرسش اصلی این تحقیق، مطالب در دو بخش سازماندهی شده است؛ در بخش نخست، ابتدا نقش و اثر امام خمینی (ره) در فرایند شکلی تصویب قانون اساسی از مدخل تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تصویب و بازنگری در قانون اساسی مطالعه می‌شود؛ در بخش دوم نیز محتوا و مفاد قانون اساسی که متأثر از نقش و اثر امام خمینی (ره) بوده است، تحلیل و بررسی می‌شود.

۱. نقش و اثر امام خمینی (ره) در فرایند شکلی تصویب قانون اساسی

۱-۱. تهیه پیش‌نویس قانون اساسی

با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران و ایجاد تزلزل در ارکان نظام شاهنشاهی، یکی از اقدامات ضروری، طراحی و ترسیم اصول، نهادها و ارکان حکومت و حاکمیت، ماهیت، حدود و نحوه توزیع قدرت در میان نهادها، اشکال و رویه‌های اعمال قدرت و بیان حقوق و آزادی‌های مردم در قالب قانون اساسی جدید بود. بر همین اساس هرچند امام خمینی (ره) قانون اساسی مشروطه را ابزاری برای مقابله با دیکتاتوری پهلوی قلمداد می‌کردند (خلیلی، ۱۳۷۷، ۲۳۵)، اما آن قانون را به دلیل در برداشتن موارد مغایر اسلام و تأیید رژیم سلطنتی و نیز اعمال نفوذ روشنفکران غرب‌زده در نگاشتن آن و الگو گرفتن چنین افرادی از قوانین اساسی کشورهای غربی، واجد ایرادات و اشکالات مبنایی می‌دانستند.^۲ از همین رو امام خمینی (ره) پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با ضروری خواندن تدوین قانون اساسی جدید (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۰۴)، تهیه پیش‌نویس اولیه آن را از مهرماه ۱۳۵۷ به‌هنگام اقامت در پاریس به دکتر حسن

حبیبی سپردند. دکتر حسن حبیبی نیز با ورود به ایران در راستای اجرایی ساختن نظر امام، با برگزاری جلسات مشترک با چند تن از حقوقدانان (آقایان محمد جعفری لنگرودی، فتح‌الله بنی‌صدر، عبدالکریم لاهیجی، ناصر میناچی و ناصر کاتوزیان) در مدت چند ماه پیش‌نویس قانون اساسی را مشتمل بر ۱۵۰ اصل تهیه کردند و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۷ در اختیار امام خمینی قرار دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸۰).

این پیش‌نویس با توجه به دستوری که امام خمینی (ره) در حکم نخست‌وزیری دولت موقت مبنی بر فراهم کردن مقدمات تصویب قانون اساسی صادر کرده بودند، در اختیار دولت موقت قرار گرفت و در شورای عالی طرح‌های انقلاب که طبق ماده ۲ اساسنامه آن، «تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی» از وظایف آن بود، بررسی شد و بعد از اعمال تغییراتی توسط شورای عالی طرح‌های انقلاب، به شورای انقلاب اسلامی سپرده شد (اصلانی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۶، ۱۷۶). پس از این مرحله، پیش‌نویس قانون اساسی که حاوی ۱۶۰ اصل بود، برای ملاحظه حضرت امام (ره) در اختیار ایشان قرار گرفت و حضرت امام در حواشی متن پیش‌نویس، نکاتی را متذکر شدند.^۳ از طرف دیگر، ایشان تأیید کردند که این متن برای علمای قم ارسال شود تا آن‌ها نظرهای خود را بیان کنند. بر همین اساس مطابق فرمان حضرت امام (ره) این پیش‌نویس برای جمعی از مراجع نظیر آقایان گلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی نجفی ارسال شد (ورعی، ۱۳۸۵، ۴).

با توجه به اظهارنظر علما و مراجع تقلید، متن پیش‌نویس به‌همراه اشکالات و نقدهای صورت‌گرفته، مجدداً توسط دولت موقت در اختیار شورای عالی طرح‌های انقلاب قرار گرفت. شورای انقلاب نیز از تاریخ ششم تا بیست‌و‌چهارم خردادماه ۱۳۵۸ به بررسی متن اصلاحیه پیش‌نویس پرداخت (ورعی، ۱۳۸۵، ۶۰). در نهایت متن اصلاحیه پیش‌نویس اصلاحی در ۱۵۱ اصل به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۵-۲۱) و در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۲ به‌طور رسمی برای اطلاع عموم منتشر شد.

۲-۱. تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رأی مردم به نظام جمهوری اسلامی، یکی از تلاش‌های اصلی امام خمینی (ره) تشکیل مجلسی از نمایندگان مردم، برای بررسی و تصویب نهایی پیش‌نویس ارائه‌شده از سوی دولت موقت بود. در این خصوص باید گفت که در جلسه مشترکی که در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱ با حضور اعضای دولت موقت و شورای انقلاب در حضور امام خمینی (ره) در قم تشکیل شد، در خصوص نحوه بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی

دو نظر مطرح شد: نظر نخست، آن بود که به دلیل ضیق وقت بدون تشکیل مجلس مؤسسان، پیش‌نویس قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شود. این گروه برای توجیه نظر خود بر این باور بودند که تشکیل مجلس مؤسسان و شرایط حساس کنونی ایجاب می‌کند که قانون اساسی هرچه زودتر تصویب شود و رأی مثبت مردم در یک همه‌پرسی کافی است (ورعی، ۱۳۸۵، ۳۸-۳۹). نظر دوم آن بود که پیش‌نویس قانون اساسی باید توسط مجلس مؤسسان بررسی و تصویب شود و از همین‌رو معتقد به تشکیل مجلس مؤسسان به‌منظور بررسی و تصویب قانون اساسی بودند. استدلال این گروه در دفاع از نظر خویش آن بود که اولاً حضرت امام خمینی بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به مردم وعده تشکیل مجلس مؤسسان داده‌اند؛^۴ ثانیاً تدوین قانون اساسی امری است که باید توسط نمایندگان مردم صورت بگیرد و رویه رایج در دنیا نیز به همین ترتیب است؛ ثالثاً با توجه به وعده‌های داده‌شده دنیا و مردم منتظر تشکیل چنین مجلسی هستند (ورعی، ۱۳۸۵، ۳۸-۳۹).

هرچند تلقی اولیه از تشکیل مجلس مؤسسان مجلسی با شمار زیاد نمایندگان بود، اما با توجه به اینکه تشکیل چنین مجلسی مستلزم صرف وقت بسیار بود، امام خمینی (ره) به‌منظور حفظ و صیانت از دستاوردهای انقلاب و هدف اصلی نهضت مردم یعنی اسلام، با نظر مدافعان تشکیل مجلس مؤسسان البته با شمار نمایندگان کمتر از مجلس مؤسسان معمول^۵ همداستان شدند. در واقع با تأکیدات مکرر امام خمینی (ره) بر لزوم تحقق میثاق حاکمیت و مردم برای ایجاد حکومت جمهوری اسلامی ایران و با تمام انتقادات و کارشکنی‌هایی که در تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی شد، ایشان معتقد بودند که تنها پاسخ عملی مردم به جمهوری اسلامی کفایت نمی‌کند، بلکه باید نمایندگان مردم فعالانه اصول قانون اساسی را بررسی و تصویب کنند و به رأی ملت بگذارند (غمامی، ۱۳۹۰، ۱۳۷). بدین ترتیب با تصویب اکثریت شورای انقلاب و موافقت حضرت امام (ره) مقرر شد که مجلس بررسی قانون اساسی موسوم به مجلس خبرگان با تعداد کمتری تشکیل شود و طرح پیشنهادی قانون اساسی پس از بررسی به همه‌پرسی گذاشته شود (هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۷-۲۸). در نتیجه امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۸/۳/۴ با صدور حکمی خطاب به مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت اعلام کردند:

«طرح قانون اساسی را - که شورای طرح‌های انقلاب مشغول تدوین و تکمیل آن هستند - با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هرچه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت - در مدت محدودی که تعیین می‌نمایید - پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند، و بنابر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیت‌های مذهبی

نمایندگان صاحب نظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند، انتخاب کنند و مجلس متشکل از نمایندگان مردم، باتوجه به همه پیشنهادها مفیدی که رسیده است، مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایند... پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب نظر مردم مورد بررسی نهایی قرار گرفت، به رأی گذارده شود...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۸۲).

شایان ذکر است که در راستای تشکیل مجلس خبرگان، امام خمینی (ره) در آستانه برگزاری انتخابات تعیین اعضای مجلس خبرگان در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود ویژگی‌هایی مانند اسلام‌شناسی و عالم بودن را برای اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح کردند و ضمن دعوت مردم برای شرکت در انتخابات، مردم را به انتخاب نمایندگان خود با ویژگی‌های مزبور فراخواندند (ورعی، ۱۳۸۵، ۴۷).

۱-۳. بررسی و تصویب قانون اساسی

مرحله بررسی و تصویب قانون اساسی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در چارچوب رهنمودهایی که امام خمینی (ره) مرقوم فرموده بودند، صورت پذیرفت. به مناسبت افتتاح مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و در آستانه شروع به کار این مجلس، امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۸ به منظور چگونگی تصویب قانون اساسی، پیامی خطاب به اعضای مجلس مزبور صادر کردند که در واقع ترسیم‌کننده چارچوب بررسی و تصویب قانون اساسی است.

نکاتی که در این پیام بیان شده، حاوی دو بخش است:

در بخش نخست پیام، وظایف و رویکرد نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در بررسی و تصویب قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش مهم‌ترین محور پیام و هدف اصلی از این پیام را می‌توان تأکید بر تصویب قانون اساسی منطبق با موازین اسلام دانست. در این خصوص امام خمینی (ره) با استناد به اینکه انگیزه انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده است و اکثریت ۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه ۱۳۵۸ به «جمهوری اسلامی» رأی مثبت دادند^۶، بر این مسئله تصریح می‌کنند که قانون اساسی باید درصد براساس اسلام باشد و تخلف از چنین شرطی را تخلف از جمهوری و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت عنوان می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۰۳-۳۰۴). این امر به لحاظ منطقی و اصولی نیز کاملاً موجه به نظر می‌رسد، چراکه اعضای مجلس بررسی نهایی، نمایندگان مردمی بوده‌اند که بیشتر نظام «جمهوری اسلامی» را انتخاب کرده بودند و از همین رو نیز ایشان مکلف بوده‌اند تا همه الزامات و اقتضائات جمهوری اسلامی را رعایت کرده و از آن تخطی نکنند؛ امری که وجه همت نمایندگان مجلس بررسی نهایی نیز قرار

داشته است (منصوریان، ۱۳۹۳، ۳۲). در راستای تحقق هدف مذکور، ایشان تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام را منحصرأ در صلاحیت فقهای عظام عضو مجلس خبرگان دانسته و دیگران را از اظهارنظر در این خصوص فاقد صلاحیت می‌دانند. البته امام (ره) بعد از بیان این سخن، تأکید می‌کنند که از تخصص افرادی که در رشته‌های حقوقی، اداری و سیاسی متخصص‌اند، در همین جهات اصول قانون اساسی، بهره گرفته می‌شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۰۹).

علاوه بر نکات مذکور، امام خمینی (ره) تأکید داشتند که اعضای مجلس بررسی نهایی، خود را به پیش‌نویس ارائه‌شده دولت موقت محصور نبینند و با ذهنی آزاد و بدون هراس از جنجال‌ها و با نگاهی اسلامی، به تصویب قانون اساسی همت بگمارند؛ امری که در جریان کار مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نمود پیدا کرد و نمایندگان مجلس نیز متأثر از آن و با استناد به «فرمایشات امام یعنی استقلال این مجلس و اصوات این مجلس و نظر این مجلس» آیین‌نامه تنظیم شده دولت موقت را کنار گذاشتند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ۳۰۳-۳۰۴). ایشان معتقد بود که قانون اساسی، اساس حکومت اسلام است و بدون آن، حکومت اسلامی دوام نمی‌آورد. از این رو، در عین اینکه دقت در کار بررسی اصول قانون اساسی را مهم می‌دانستند، خواستار تسریع در آن بودند و در مقابل طرح انحلال مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تأخیر در تصویب قانون اساسی، ایستادگی می‌کردند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۰۹).

بخش انتهایی پیام نیز به بیان خصوصیات و ویژگی قانون اساسی کشور اختصاص یافته است. درباره خصوصیات قانون اساسی نیز ایشان حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، پیش‌بینی نیازها و منافع نسل‌های آینده، صراحت و روشنی مفاهیم قانون و صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر را به‌عنوان ویژگی‌های قانون اساسی برشمردند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۰۹).

۴-۱. بازنگری در قانون اساسی ۱۳۶۸

در جریان اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، با توجه به عدم پیش‌بینی و تعیین قواعد و ضوابط مربوط به شیوه بازنگری در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ و از طرفی، اشاره به امکان تجدیدنظر در قانون اساسی از طریق برگزاری همه‌پرسی در اصول ۱۳۱ و ۱۳۲، عملاً فرایند اصلاح قانون اساسی از طریق فرمان امام خمینی (ره) آغاز شد. بدین ترتیب باید گفت که تنها بازنگری‌ای که تاکنون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته، علاوه بر اینکه براساس دستور و فرمان امام (ره) علیه بوده است، در چارچوب و مواردی انجام گرفته که امام معین کرده بودند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴: ۱۹۷). ایشان در نامه مورخ ۱۳۶۸/۲/۴ خطاب به رئیس‌جمهور وقت، علاوه بر تعیین بیست نفر به‌عنوان اعضای شورای بازنگری قانون اساسی و

تعیین چگونگی انتخاب پنج نفر دیگر از میان نمایندگان مجلس برای این مهم، چارچوب موارد بازنگری در قانون اساسی را ذیل هشت بند تحت عنوان «محدوده مسائل مورد بحث» به صورت دقیق و انحصاری مشخص کرده بودند. رئیس‌جمهور وقت به‌عنوان رئیس موقت شورای بازنگری، در ابتدای اولین نطق خود در این شورا با بیان اینکه «امیدوارم که این جلسه و این اقدام با بهترین شکلی و در نزدیک‌ترین زمانی آن چیزی را که مقصود حضرت امام مد ظله بوده تأمین کند» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲)، مسیر حرکت شورای بازنگری را در چارچوب فرمان و نظر حضرت امام خمینی (ره) علیه تبیین کردند و این مسئله یعنی لزوم حرکت شورای بازنگری در مسیر تعیین‌شده توسط امام، ده‌ها بار توسط اعضای آن شورا ذکر شده و مورد تأکید قرار گرفته است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳، ۱۱، ۲۴).

۲. نقش و اثر امام خمینی (ره) در تکوین محتوا و مفاد قانون اساسی

۲-۱. تعیین نوع نظام سیاسی

اصل ۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تبیین نوع حکومت ایران یعنی «جمهوری اسلامی» و چگونگی استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است. تعیین جمهوری اسلامی به‌عنوان نوع نظام سیاسی ایران در این اصل از قانون اساسی ریشه در آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) دارد. توضیح آنکه امام خمینی (ره) در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه فرانسوی فیگارو با طرح این سؤال که «عمل شما دارای چه جهتی است و چه رژیم را می‌خواهید جانشین رژیم شاه کنید؟»، ضمن رد کردن رژیم سلطنتی، برای اولین بار نوع ساخت نظام سیاسی را جمهوری اسلامی معرفی کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳).

از منظر امام خمینی (ره)، جمهوری اسلامی حکومتی مبتنی بر آرای عمومی و براساس قانون اساسی متکی به اسلام است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۱۴). امام خمینی (ره) جمهوریت نظام را همچون سایر جمهوری‌ها، شکلی برای اعمال حکمرانی می‌دانستند که در آن مردم، آزادی انتخاب و اراده دارند و اسلامیت را محتوای این نظام معرفی کردند که سبب می‌شود که قانون اساسی حکومت، قانون اسلام باشد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۲۹).

امام خمینی (ره) نه‌تنها اصول و قواعد حکمرانی در درون جمهوری اسلامی را بر مبنای رأی مردم نافذ و معتبر می‌دانستند، بلکه به اعتقاد ایشان، جایگاه مردم در این نوع حکومت تا جایی است که تعیین نوع حکومت نیز باید بر مبنای خواست و اقبال مردم باشد و مادام که مردم رأی مثبت به تشکیل این حکومت ندهند، جمهوری اسلامی شکل نخواهد گرفت. بر همین اساس

امام خمینی (ره) برای تثبیت و تحکیم اراده مردم و نیز ثبت در تاریخ، خواستار برگزاری همه‌پرسی تعیین نوع حکومت به صورت رسمی در قالب انتخابات آزاد بودند تا در آینده این نگرش به وجود نیاید که با سوءاستفاده از احساسات مردم، نظام جمهوری اسلامی به مردم تحمیل شده است. از همین رو ایشان در حکم انتصاب بازرگان در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ به عنوان رئیس دولت موقت، وی را مأمور برگزاری رفراندوم تغییر نظام به جمهوری اسلامی می‌کنند.^۷ بازرگان نیز در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۰ دستور انجام رفراندوم تعیین نوع حکومت ایران را که در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۱ شورای انقلاب به تصویب می‌رسد، به وزیر کشور صادر می‌کند.^۸ پس از انجام رفراندوم در تاریخ دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ برابر با اول و دوم جمادی‌الاول ۱۳۹۹ هجری قمری، با شمارش آرای نتایج قطعی همه‌پرسی تعیین حکومت اعلام می‌شود و در پی آن «جمهوری اسلامی» به عنوان نظام برگزیده مردم برای اداره جامعه تعیین می‌شود. بر همین اساس تدوین‌کنندگان قانون اساسی با توجه اهمیت تعیین نوع نظام سیاسی به عنوان مبنایی برای حکمرانی و شکل‌دهنده کلیه مناسبات میان نهادهای حکومتی و با تأسی از اندیشه امام خمینی (ره) و خواست و اراده مردم، به اساسی‌سازی جمهوری اسلامی در اصل نخست قانون اساسی می‌پردازند.

۲-۲. ترسیم وجوه اسلامیت قانون اساسی

مهم‌ترین ویژگی قانون اساسی از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلامی بودن آن است. در نظام جمهوری اسلامی، برتری اسلام و موازین آن مهم‌ترین پیش‌فرض قانون اساسی است و در میان سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی، بالاترین هنجار محسوب می‌شود، به گونه‌ای که امام خمینی (ره) پیش از تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، با ضروری دانستن تدوین قانون اساسی، خطوط اصلی آن را اصول مسلم اسلام که در قرآن و سنت بیان شده است، عنوان کردند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۳۶). این برتری و توفیق در فرایند بررسی و تصویب قانون اساسی نیز مورد تأکید و تصریح امام خمینی (ره) قرار گرفته است، تا جایی که حتی صلاحیت تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی محدود به چارچوب موازین شریعت بوده و اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مؤسس قانون اساسی به مفهوم متداول در ادبیات حقوق اساسی نبوده‌اند.^۹

بعد دیگر اسلامی بودن قانون اساسی را از منظر امام خمینی (ره) می‌توان ناظر بر حکومت موازین شرع مقدس اسلام در قانونگذاری دانست. از منظر امام خمینی (ره) شریعت اسلامی اقتضا می‌کند که در حکومت اسلامی قوانین الهی اجرا شود و اگر کسانی که به دلایل مختلف معتقد به لزوم قانونگذاری بشری به منظور برنامه‌ریزی برای اجرای قانون یا قاعده‌گذاری در

موضوعاتی که خداوند متعال برای آن‌ها قانونی وضع نکرده است یا دلایلی از این دست باشند، این قانونگذاری یا برنامه‌ریزی برای اداره جامعه نیز یا باید صرف بیان قوانین الهی باشد یا دست‌کم این قوانین در چارچوب قوانین الهی ارائه شود و آن‌ها را نقض نکنند، چراکه همه افراد حتی رسول اکرم (ص) نیز تابع قانونی هستند که توسط خداوند متعال ارسال شده است (خمینی، ۱۳۸۵: ۴۵).

بعد دیگری از اسلامی بودن قانون اساسی به وجود فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان ولی فقیه در رأس قدرت سیاسی و نظام اسلامی برمی‌گردد. ولایت مطلقه فقیه، نظریه‌ای است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) بنا شده است. به‌عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت که ولایت مطلقه فقیه نظریه سیاسی زیربنای قانون اساسی، عنصر مشروعیت‌بخش و الگوی نظام سیاسی در گفتمان سیاسی و حکومتی شیعه به‌شمار می‌رود (نیکونهاد، ۱۳۹۴: ۲) که با طرح و نظریه‌پردازی آن از سوی امام خمینی (ره) به‌صورت جدی وارد ادبیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران شد و با تصویب آن در قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، این نظریه در قالب اصول ۵ و ۵۷ و ۱۰۷ نمودار گردید. در این خصوص در مقدمه قانون اساسی مقرر شده است که: «طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج اختناق و خفقان رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد، انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود».

۲-۳. ترسیم وجوه جمهوریت قانون اساسی

امام خمینی (ره) که نهضت خود را که از خردادماه ۱۳۴۲ آغاز کرد، حضور و مشارکت مردم را نه مانند گذشته در مبارزه ضداستعماری یا مبارزه پارلمانی، بلکه در چارچوب تشکیل و اداره نظام اسلامی نمایان ساخت. در مورد نقش مردم در تشکیل حکومت، امام خمینی (ره)، مردم را مقدمه‌ای واجب برای تشکیل حکومت و استمرار آن می‌دانستند و معتقد بودند که بدون همراهی مردم امکان تحقق و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۵۹).

در خصوص اداره و استمرار نظام اسلامی توسط مردم، امام خمینی (ره) بر لزوم مشارکت سیاسی مردم تأکید داشتند و بر همین اساس تلاش کردند که جایگاه این مشارکت را در قانون اساسی نهادینه کرده و مردم را به حضور در صحنه‌های مهم سیاسی ترغیب کنند. امام خمینی (ره) جمهوریت را حکومتی مبتنی بر آرای عمومی دانسته و معتقدند که ابتدای حکومت به آرای مردم «به‌گونه‌ای [است] که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند، شرکت داشته باشند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۳۶). در همین زمینه ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با انتخاب «جمهوری اسلامی» به‌عنوان

نوع نظام سیاسی، سهم اصلی را در تحقق نظام حکومت اسلامی و عینیت‌یابی به نظام ولایت فقیه به مشارکت مردمی سپردند و از همین‌رو در اولین گام، تعیین نوع نظام سیاسی را به آرای عمومی ارجاع دادند که بیش از ۹۸ درصد مردم، تشکیل نظام جمهوری اسلامی را تأیید کردند و با انتخاب نمایندگان خود در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تأیید قانون اساسی با آرای مستقیم خود، مهر تأیید بر قانون اساسی زدند.

گفتنی است که حضور و نقش تعیین‌کننده مردم به موارد مذکور ختم نشد و به‌واسطه حکم امام خمینی (ره) خطاب به نخست‌وزیر دولت موقت مبنی بر در اختیار آرا و افکار عمومی گذاشتن متن پیش‌نویس قانون اساسی مصوب شورای انقلاب، پیش از آغاز به کار مجلس بررسی نهایی و هنگام تشکیل آن، گروه‌های مختلف مردم در کنار احزاب، جمعیت‌ها و تشکل‌های سیاسی، مراجع تقلید و صاحب‌نظران، به بیان نظرهای خویش درباره اصول پیشنهادی مندرج در متن پیش‌نویس قانون اساسی پرداختند و از این طریق علاوه بر ده‌ها اظهارنظر مفصل و ارائه پیش‌نویس‌های جامع برای قانون اساسی و چند طومار برای اندراج مواردی خاص در قانون اساسی، قریب به چهارهزار پیشنهاد از طرف مردم به دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی واصل شد (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۲۰۳-۲۰۴) که بسیاری از آن‌ها در تدوین اصول قانون اساسی مورد توجه و استفاده^{۱۰} قرار گرفت (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۰۱؛ همان، ج ۴: ۳۰۷؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ۱۷۳).

همچنین می‌توان به پیام امام خمینی (ره) به مناسبت گشایش مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، اشاره کرد که ایشان در این پیام، وجود چهار خصوصیات و ویژگی را برای قانون اساسی کشور ضروری می‌دانند که سه مورد از آن‌ها مرتبط با حقوق مردم است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۰۹).

همچنین هنگام بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، براساس شیوه تعیین‌شده از سوی حضرت امام خمینی (ره)، می‌بایست متن تهیه و تصویب‌شده توسط شورای بازنگری قانون اساسی، به آرای عمومی عرضه شود و به تصویب مردم برسد.^{۱۱} در همین زمینه متن قانون اساسی پس از اعمال تغییرات توسط شورای بازنگری در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۶ مورد تصویب نهایی مردم قرار گرفت (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ۶۱۱).

امام خمینی (ره) براساس مبانی حکومت در اسلام، مدلی از حکومت الهی را طراحی کردند که در عین توجه به امر اصیل ولایت الهی به‌عنوان منشأ مشروعیت نظام اسلامی، جایگاه مردم به‌عنوان رکن مقبولیت‌بخش به نظام اسلامی معنا پیدا می‌کند. در این خصوص باید گفت که ایشان در پاسخ به استفتائی در خصوص نحوه تولی امور توسط فقیه جامع‌الشرایط و نقش

مقبولیت بخشی مردم در تشکیل حکومت اسلامی می‌فرمایند: «ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۵۹).

در مجموع در مقام بیان نقش امام خمینی (ره) در ترسیم وجوه مردمی بودن قانون اساسی، می‌توان دیدگاه‌ها و نظرهای امام خمینی (ه) را به‌عنوان نمود و آینه خواست‌ها و دیدگاه‌های مردم تلقی کرد که در قانون اساسی متعین شده است. در توضیح این مطلب باید گفت انقلابی که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و به تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ منجر شد، از یک سو ثمره مبارزات طولانی مردم ستم‌دیده از حکومت رژیم فاسد پهلوی و حاصل پایداری و مقاومت مردم در مقابل فشارهای گوناگون رژیم پهلوی، تقدیم صدها شهید و ایثار و گذشت و ایستادگی بر آرمان‌ها و خواست مشروعشان مبنی بر برقراری حکومت اسلامی بود و از سوی دیگر پیشوا، رهبر و راهنمای مردم در شروع و استمرار مبارزات و طراح مسیر انقلاب از ابتدا تا پیروزی نهایی، حضرت امام خمینی (ره) بودند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۵-۱۹۶).

توده مردم انقلابی با پذیرفتن نظرهای امام و با اعتماد و اعتقاد قلبی به اهداف ایشان، در مسیر انقلاب گام برداشته و نظرها و فرمان‌های ایشان را سرلوحه شعارها، خواسته‌ها و مبارزات خویش قرار داده بودند و در واقع تمام خواست مردم از این مبارزات و جانفشانی‌ها، برانداختن حکومت طاغوت و استقرار حکومت اسلامی مطابق با دیدگاه و خواسته امام و رهبری این نهضت بود. مردم تعبیری از انقلاب و مبارزه را پذیرفته بودند که امام به آن قائل بود و به‌دنبال اهدافی بودند که امام آن‌ها را تبیین می‌کرد، حکومتی را می‌خواستند که امام ترسیم می‌کرد و نظامی را دنبال می‌کردند که امام به‌دنبال آن بود. این مفاهیم و خواسته‌ها در واقع استخوان‌بندی شکل حکومت و قوای آن و جایگاه مردم و استقرار مکتب مورد پذیرش مردم در آن را شامل می‌شود که تمام این‌ها جلوه‌های اصلی و مهم مردمی بودن قانون اساسی را تشکیل می‌دهند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۶).

با عنایت به مطالب مذکور می‌توان گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخلاف بسیاری از کشورهایی که داعیه دموکراسی دارند اما به‌هیچ‌وجه به ملزومات آن پایبند نیستند، با نقش‌آفرینی امام خمینی (ره) با مشارکت حداکثری مردم همراه بوده است، به‌طوری‌که مردم در اداره امور کشور چه در تعیین نوع نظام سیاسی، انتخاب اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و چه در تصویب نهایی آن و سایر امور مشارکت فعال و مؤثر داشته‌اند (منصوریان، ۱۳۹۳، ۲۶). بنابراین بُعد جمهورییت قانون اساسی و نظام حقوقی کشور ایجاب می‌کند که در

چارچوب مفهوم مردم‌سالاری دینی، دیدگاه‌های مردم در تمامی ابعاد کارکردی منظومه حقوقی و سیاسی کشور منشأ اثر باشد و در این زمینه با توضیحاتی که گذشت، دیدگاه‌ها و نظرهای امام خمینی (ره) به‌عنوان نمود و آینه خواست‌ها و دیدگاه‌های مردم بایسته‌ای است که مردمی بودن قانون اساسی را ترسیم می‌کند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۶).

۲-۴. زمینه‌سازی جهت اصلاح برخی ساختارها و سازوکارها در قانون اساسی ۱۳۶۸

با آنکه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نقاط قوت بسیار خوبی داشت، اما با توجه به آنکه تدوین و تصویب آن با جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی همراه بود، از این رو نقایص و اشکالاتی داشت^{۱۲} که به دلیل وجود خلأهای قانونی، با تدابیر و تصمیمات فصل‌الخطاب امام خمینی (ره) حل و فصل می‌شد. به‌طور مثال می‌توان به یکی از تدابیر امام خمینی (ره) به‌عنوان مقدمه شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد که در پاسخ به لزوم مصلحت‌سنجی‌های لازم در امر تقنین صورت پذیرفت. در این خصوص باید گفت که مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، روند قانونگذاری به‌نحوی طراحی شده بود که مجلس شورای اسلامی امکان تدوین مقررات مطابق با ضرورت‌ها و مصالح نظام را داشت، اما مخالفت مصوبات با احکام اولیه شرع و اصرار مجلس بر آن، شورای نگهبان و مجلس را رو در روی یکدیگر قرار می‌داد و جریان قانونگذاری را با اختلال مواجه می‌کرد (هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۴۰). در واقع اصرار فراوان مجلس شورای اسلامی در بعضی موارد بر ضرورت یا مصلحت بودن مصوبات و تأکید شورای نگهبان بر مشروعیت قوانین، مسائلی را مطرح ساخت که در آن مصالح نظام در مقابل احکام و موازین شرعی خودنمایی می‌کرد (غمامی، ۱۳۹۰، ۱۴۷-۱۴۸). از جمله این موارد می‌توان به تفاوت دیدگاه مجلس و شورای نگهبان در مواجهه با قوانین تنظیم‌کننده روابط میان کارفرمایان و کارگران و حدود اختیارات دولت اسلامی به‌منظور دخالت در این‌گونه روابط اشاره کرد. براساس قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که بیش از پنج کارگر دارند و قانون بیمه بیکاری، دولت به استناد اعطای خدمات دولتی به کارگاه‌ها الزاماتی را برای کارفرمایان مقرر کرده بود، اما شورای نگهبان، استناد به استفاده از خدمات دولتی جهت اعمال شروط الزام‌آور را پیرامون لایحه قانون کار که در مجلس در حال بررسی بود، وافی به مقصود نمی‌دانست و این مسئله موجب دو استفتاء از امام خمینی (ره) شد (فتاحی، ۱۳۹۳، ۸-۹) که حضرت امام در پاسخ بیان فرمودند که دولت می‌تواند چه حال و چه آینده شروطی الزامی را مقرر کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۳۰).

پس از این دبیر وقت شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۶ درباره پاسخ امام خمینی (ره) به وزیر کار وقت مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۸ و به طور کلی در خصوص حدود اختیارات دولت اسلامی در بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی به حضرت امام خمینی (ره) نامه‌ای نوشت و پذیرش رویکرد مزبور را در تصویب قوانین و مقررات در امور عامه و خدما‌تی که به دولت منحصر شده است، منجر به تعویض و تغییر نظامات اصیل اسلامی و امکان عرضه هر نظامی در ذیل حکومت عنوان کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۳۴-۴۳۵).

در عین حال امام خمینی (ره) در پاسخ به این نامه به اختیار مطلق حکومت اسلامی اشاره می‌کنند و معتقدند که حاکم اسلامی می‌تواند در راستای تأمین مصالح نظام اسلامی هرگونه مداخله‌ای در شئون مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بازرگانی داشته باشد و این امر به حوزه‌ای خاص یا طرقی انحصاری که در نظام اسلامی مشخص شده باشد، اختصاص ندارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۶۳). علاوه بر اظهار نظر مذکور، امام خمینی (ره) در نامه‌ای که در خصوص جایگاه و اختیارات حکومت اسلامی در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۶ (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۶۱)، صادر کردند، با ذکر نمونه‌هایی، اختیارات حکومت را دائر مدار مصالح کشور و اسلام معرفی کردند و علاوه بر ادله‌ای نظیر ضرورت، عسر و حرج و اضطرار، حدود اختیارات حکومت را در چارچوبی تحت عنوان «مصلحت» بیان فرمودند (ارسطا، ۱۳۸۹، ۳۰۴).

این رویکرد امام خمینی (ره) موجب شد که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بتواند بر مبنای «مصلحت نظام»، قوانینی را مطابق با موازین شرعی به تصویب برساند و به منظور مشخص شدن راهکار و سازوکار نهادی تشخیص مصلحت در موارد عدم توافق و انتخاب نظر مقدم در میان نظرهای شورای نگهبان و مجلس، مرجعی به منظور تشخیص مصلحت نظام تشکیل و در جریان بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به عنوان ششمین محور بازنگری جهت اساسی‌سازی آن در قانون اساسی مطرح شود.

مثال دیگر موضوع «حذف شرط مرجعیت از شرایط رهبر»، است. امام خمینی (ره) در پاسخ به درخواست شورای بازنگری، ضمن ارسال نامه‌ای به رئیس این شورا، مواردی را در خصوص شرایط رهبر و سرپرست نظام اسلامی بیان کردند که حذف شرط مرجعیت از جمله آن موارد است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۵۸). البته حضرت امام (ره) در پاسخ استعلام شورای بازنگری تأکید می‌کنند «هرگونه آقایان صلاح دانستند عمل کنند من دخالتی نمی‌کنم...» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۸) و فقط در خصوص مسئله شرایط رهبری با توجه به اهمیت موضوع و شرایط آن روز کشور و استبعاد آن که در مورد امکان مرجع

تقلید نبودن رهبر وجود داشته است، مواردی را بیان و یادآوری می‌کنند که از ابتدای تدوین قانون اساسی نیز با اندراج شرط مرجعیت برای ولی فقیه مخالف بوده و می‌دانسته‌اند که در آینده نه‌چندان دور قابل پیاده شدن نیست (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۸). همچنین تصحیح عبارت «بینش سیاسی و اجتماعی» در بند ۲ اصل ۱۰۹ مصوب ۱۳۵۸ به «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی»، نیز بنابر گفته‌های آیت‌الله مؤمن در آن شورا (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۴۵)، در زمره مواردی است که مبتنی بر نظر امام خمینی (ره)، در قانون اساسی صورت گرفته است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۸).

در همین زمینه حتی مخبر کمیسیون اول شورای بازنگری قانون اساسی (کمیسیون بررسی مسائل رهبری و مجمع تشخیص مصلحت)، دلیل حذف «رهبری شورایی» از قانون اساسی را مستند به استظهاری می‌کنند که از عبارت «باید فردی را انتخاب کنیم که...»^{۱۳} مذکور در نامه فوق‌الاشاره امام خمینی (ره) در آن شورا وجود داشته است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۰۷).

مثالی دیگر در این خصوص مسئله مدیریت در قوه قضاییه (مدیریت شورایی) است. براساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه بر عهده شورایی به نام «شورای عالی قضایی» گذاشته شده بود که بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده قوه قضاییه به حساب می‌آمد و وظایف مربوط به اداره قوه قضاییه همانند ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های قوه، تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و... را بر عهده داشت. پس از گذشت ده سال از اجرای قانون اساسی، بخشی از نارسایی‌های قوه قضاییه به این نحوه مدیریت مربوط می‌شد که چندین نامه حضرت امام (ره)^{۱۴} به شورای عالی قضایی در طول برهه زمانی ده‌ساله نیز حکایت از آن دارد. در نهایت بروز این مشکلات سبب شد تا در نامه امام (ره) به شورای بازنگری قانون اساسی، تمرکز در مدیریت قوه قضاییه به‌عنوان یکی از محورهای نیازمند بازنگری معرفی شود.

به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان به مفاد صدر اصل ۱۷۷ قانون اساسی اشاره کرد که براساس آنچه در مشروح مذاکرات شورای بازنگری آمده است، دلیل اینکه براساس صدر این اصل، فرایند بازنگری در قانون اساسی طی حکم رهبری خطاب به رئیس‌جمهور آغاز می‌شود؛ «حفظ سنتی است که امام خمینی (ره) بنا کردند» و نامه مربوط به بازنگری در قانون اساسی را خطاب به

رئیس‌جمهور صادر کردند (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۸۶).

مبنتی بر مطالب مذکور و به گواهی تاریخ و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، درمی‌یابیم که نه‌تنها رویکرد کلی اعضای شورای بازنگری در اصلاح قانون اساسی در جهت تطبیق دادن با تصمیمات امام بوده، بلکه پیشنهاد کسب نظرهای حضرت امام در خصوص موضوعات در دست بازنگری، مطرح و در مواردی جنبه عملی پیدا کرده و اجرایی شده است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۸). توضیح آنکه چندین نفر از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، پیشنهاد می‌کنند که با وجود تفویض امر بازنگری از سوی امام (ره) به این شورا، نظر ایشان در خصوص موارد هشت‌گانه در دست بازنگری، استعلام شود تا «کمیسیون‌ها راحت‌تر به نتیجه برسند و سریع‌تر نتیجه بگیرند» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶) و «از اتلاف وقت و دوباره‌کاری و این مسائل جلوگیری بشود» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷)، چراکه «ما خلاصه نظرمان این است که باید در طریق همان نظر خاص امام قدم برداریم» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷) و لازم است که «اگر حضرت امام... خصوصیتی در نظر مبارکشان است، برای اعضا تبیین بشود تا راه‌گشا باشد برای تصمیم‌گیری کمیسیون‌ها» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸)، زیرا «نظر حضرت امام مشخصاً و شاید ریزش خیلی لازم است» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳) و «روی این اصولی که ما می‌خواهیم بحث بکنیم، چون مسئله مهم است... هر جوری باشد، رأی و نظر امام امت در تمام اینها با ما و همراه ما باشد» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴).

شاید تصور شود نقل قول‌هایی که ذکر شد، مربوط به نطق یک نفر از اعضای شورای بازنگری است، اما هر کدام توسط یکی از اعضای متفاوت این شورا بیان شده‌اند که نشان‌دهنده عمومیت چنین دیدگاهی در میان اعضای شورای بازنگری قانون اساسی است. حتی برخی اعضای آن شورا به‌صراحت بیان کردند اگر حضرت امام در خصوص موضوعی خاص، نظری داشته باشند، شورای بازنگری صلاحیت ندارد و نمی‌تواند نظر متفاوتی را ملاک قرار دهد (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴) و برخی دیگر معتقد بودند «ما بیش از مواردی که حضرت امام فرمودند نمی‌توانیم بحث بکنیم و نباید هم بحث بکنیم» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری

قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۳).

مبتنی بر مطالب مذکور باید گفت که پیشنهاد کسب نظرهای جزئی حضرت امام در خصوص موضوعات در دست بازنگری، با هیچ مخالفتی در صحن این شورا مواجه نمی‌شود که اماره‌ای است بر موافقت سایر اعضایی که به‌صراحت در این خصوص صحبت نکرده‌اند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۹۸).

توجه به نظرهای حضرت امام در شورای بازنگری قانون اساسی، محدود به مسائل ماهوی نبوده و این شورا در عمده مسائل شکلی نیز سعی در تبعیت از نظرهای امام داشته است. موارد زیر به‌عنوان مثال ذکر می‌شود:

در خصوص نامگذاری کمیسیون‌های چهارگانه‌ای که در شورای بازنگری تشکیل می‌شود، نظر برخی اعضا از جمله رئیس‌جمهور وقت این است که «عین عبارات امام [در فرمان تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی] به‌کار برده شود» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰-۵۰) و این پیشنهاد تا حدود بسیار زیادی عملی می‌شود.

در مورد ترتیب بحث و بررسی در خصوص موضوعات در دست بازنگری نیز مقرر می‌شود به‌ترتیب مواردی که در نامه امام مطرح شده است، موضوعات مورد بحث و بررسی قرار گیرد (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۸).

در خصوص نامگذاری شورای بازنگری قانون اساسی نیز، پیشنهاد سه نفر از اعضای آن شورا مبتنی و مستند به متن نامه امام در خصوص تشکیل آن شورا است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۸-۲۹-۴۳) و کسانی که با پیشنهاد مذکور مخالفت می‌کنند، هم برخی نظرشان این است که در مورد نامگذاری آن شورا از خود حضرت امام کسب نظر شود (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰) و برخی دیگر معتقدند حداقل از نظر امام مطلع شوند و بعد تصمیم‌گیری کنند (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱-۴۵).

یکی دیگر از مظاهر توجه شورای بازنگری در مسائل شکلی، به فرمان حضرت امام، چگونگی تعیین هیأت رئیسه موقت این شورا است؛ با اینکه برخی از اعضای آن شورا، بنابر عرف موجود در مجالس، معتقد به تشکیل هیأت رئیسه موقت سنی بودند (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴-۳۶)، اکثریت اعضا، تشکیل هیأت رئیسه موقت به ریاست رئیس‌جمهور وقت را از این نظر مشروع تلقی کردند که فرمان بازنگری از سوی حضرت امام خطاب به رئیس‌جمهور صادر شده است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵-۳۸-۳۹).

در خصوص انتخاب اعضای کمیسیون‌های چهارگانه‌ای که در شورای بازنگری تشکیل می‌شود نیز پیشنهاد می‌شود، با الهام گرفتن از انتخاب اعضای شورای بازنگری از نهادهای گوناگون کشوری توسط حضرت امام، اشخاص در کمیسیون‌هایی عضو شوند که مرتبط با نهادی باشد که در آن مشغول به کارند (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۲) و مخالفت با این پیشنهاد نیز با تمسک به «روح پیام و رهنمود حضرت امام» صورت می‌گیرد (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۴-۵۵) و عضو دیگری نیز که پیشنهاد متفاوتی دارد، پیشنهاد خود را مستدل به اولویت‌هایی می‌کند که معتقد است این اولویت‌ها «قطعاً مورد نظر حضرت امام هم بوده» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۶).

مبتنی بر مطالب مذکور می‌توان گفت که غلظت این مسئله و توجه شورای بازنگری قانون اساسی به دیدگاه‌ها و نظرهای حضرت امام (ره) در خصوص کلیه مسائل محتوایی و شکلی بازنگری در قانون اساسی تا حدی است که برای محققانی که با جو تاریخی و فضای آن روز کشور و جایگاه امام در میان جامعه بیگانه باشد، شک‌برانگیز است.

نتیجه‌گیری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌منزله بنیادی‌ترین هنجار نظام جمهوری اسلامی بعد از شریعت اسلامی، به‌نوعی هم مولود نظام اسلامی است و هم والد آن. این قانون دارای زمینه، زمانه، اقتضائات، مبادی و ماهیت خاصی است که در نظام معنایی منحصره‌فرد خود پدیدار شده و معنادار می‌شود. مطالعه فرایند تدوین و تکوین این قانون هم از حیث فرایند شکلی در مواردی مانند ۱. تهیه پیش‌نویس قانون اساسی؛ ۲. دعوت به نقد پیش‌نویس قانون اساسی؛ ۳. تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی؛ ۴. تعیین چارچوب مجلس بررسی نهایی در تدوین و تصویب قانون اساسی؛ ۵. صدور فرمان بازنگری در قانون اساسی؛ ۶. معین کردن محورها و موارد بازنگری در قانون اساسی؛ ۷. انتخاب نمایندگان مجلس بررسی نهایی برای تدوین قانون اساسی؛ ۸. رأی مثبت به مصوبه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی؛ ۹. رأی مثبت به مصوبه بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸؛ و هم از حیث محتوا و مفاد مندرج در آن در مواردی همچون ۱۰. تعیین نوع نظام سیاسی؛ ۱۱. تأکید بر محتوای اسلامیت نظام و قانون اساسی؛ ۱۲. تأکید حکومت موازین شرع مقدس اسلام در قانونگذاری؛ ۱۳. تصدی زعامت جامعه اسلامی توسط فقیه واجد شرایط؛ ۱۴. تأکید بر نقش مؤثر مردم در تشکیل و اداره نظام اسلامی؛ ۱۵. منوط بودن هرگونه تغییر کلی و جزئی در قانون اساسی به تصویب مردم؛ ۱۶. زمینه‌سازی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی ۱۳۶۸؛ ۱۷. حذف شرط مرجعیت از شرایط رهبر در قانون اساسی؛ و ۱۸. حذف

رهبری شورای از قانون اساسی؛ این نتیجه را مبرهن ساخت که آن‌ه در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین و تکوین یافته و در مقام ترسیم چارچوب نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران برآمده، متأثر و برآمده از زمینه‌های فکری و فرهنگی اصیل خود یعنی نظرها و دیدگاه‌های مؤثر و مهم و راهبردی امام خمینی (ره) بوده است. بر همین اساس می‌توان گفت که توجه به دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در خصوص مسائل و موضوعات مرتبط با مفاد قانون اساسی و بهره‌گیری از نظرهای ایشان می‌تواند به‌عنوان مبنای تفسیر و برداشت صحیح و اصیل از اصول قانون اساسی قلمداد شود.

یادداشت‌ها

۱. مقتبس از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. برای مثال امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند: «وقتی می‌خواستند در اوایل مشروطه قانون اساسی را تدوین کنند، مجموعه حقوق بلژیکی‌ها را از سفارت بلژیک قرض کردند و قانون اساسی را از روی آن نوشتند و نقایص آن را از مجموعه‌های حقوقی فرانسه و انگلیس به اصطلاح ترسیم کردند و برای گول زدن ملت، بعضی از احکام اسلام را ضمیمه کردند. اساس قوانین را از آن‌ها اقتباس کردند و به خورد ملت ما دادند. این مواد قانون اساسی و متمم آن که مربوط به سلطنت و ولایتعهدی و امثال آن است، کجا از اسلام است؟ این ضد اسلام است، ناقض طرز حکومت و احکام اسلام است» (خمینی، ۱۳۸۵، ۱۳).
۳. برای مطالعه نظرهای امام خمینی (ره) ر.ک: وری، ۱۳۸۵، ۵۵-۵۸.
۴. حضرت امام در بدو ورود به ایران مورخ ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ طی سخنرانی خود در بهشت زهرا (سلام الله علیها) به تشکیل مجلس مؤسسان به‌وسیله رأی مردم اشاره کرده بودند (خمینی، ۱۳۷۸ ج ۶: ۱۸).
۵. با علنی شدن طرح شورای انقلاب و دولت مبنی بر تشکیل مجلس خبرگان با اعضای کمتر، جنجال و هیاهوی احزاب و گروه‌ها برخاست. حضرت امام در یک سخنرانی مجلس خبرگان را از نظر ماهیت همان مجلس مؤسسان دانسته و فرمودند: «نگویید که ما مجلس مؤسسان کوچک را نمی‌خواهیم، یک مجلس مؤسسان پانصد، ششصد نفری می‌خواهیم، بهانه نگیرید. مگر مجلس مؤسسان چیست؟ جز اینکه اشخاصی که مردم آن‌ها را انتخاب می‌کنند، باید بنشینند و قانون را ملاحظه کنند؟ باید حتماً ششصد، هفتصد نفر باشند که نوبت به شما هم برسد! اگر تمام ملت پنجاه نفر را تعیین کردند، این‌ها وکیل ملت نیستند؟ این مجلس، مجلس مؤسسان نیست؟ ما بعد از اینکه قانون اساسی به نظر خبرگان اسلامی رسید، به نظر روحانی اسلامی رسید، به نظر علمای متعهد رسید، به نظر نمایندگان مردم رسید، باز هم در افکار عمومی می‌گذاریم، خود ملت میزان است... ما برای خاطر اینکه این نقها کم بشود، گفتیم یک مجلسی هم درست بشود، شما اسمش را مجلس مؤسسان بگذارید، اگر خیلی دلتان می‌خواهد غربی باشید.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۷۲).
۶. اصل ۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۷. بخشی از متن حکم بازرگان از سوی امام خمینی (ره) مورخ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به شرح زیر است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، ... جناب‌عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام فراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۴).
۸. متن دستور نخست‌وزیر به این شرح است: «جناب آقای احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور، براساس فرمان رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، مبنی بر انجام فراندوم و استفسار از آحاد ملت رزمنده در تعیین شکل حکومت ایران، مقرر فرمایید طبق طرح برنامه فراندوم که در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۳۰ هیأت وزیران که در اجلاس مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۱ شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است، نسبت به انجام برنامه فراندوم در تاریخ دهم فروردین‌ماه ۱۳۵۸ اقدام شود.» (غنی‌یاری، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۲۴).
۹. امام خمینی (ره) در پیام خود به مناسبت آغاز کار به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که در اولین جلسه این

مجلس قرائت شد، پس از ذکر لزوم اسلامی بودن تمام مفاد قانون اساسی، به صراحت دخالت اعضای غیرفقیه مجلس یادشده در تعیین اسلامی بودن یا نبودن مفاد قانون اساسی را نفی کرده و تشخیص موافقت یا مخالفت مفاد قانون اساسی با احکام اسلام را در صلاحیت انحصاری فقهای عضو مجلس بررسی نهایی قلمداد می‌کند.

۱۰. در انتهای مقدمه قانون اساسی آمده است: «مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را براساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود... به پایان رساند.»

۱۱. بخشی از فرمان امام خمینی در خصوص بازنگری در قانون اساسی خطاب به رئیس‌جمهور وقت، مورخ ۱۳۶۸/۲/۴: «هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودم که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می‌شود، تأیید آن را به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.»

۱۲. مقتبس از نامه امام به شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۳. بخشی از نامه چند سطری امام (ره) چنین بوده است: «...در مورد رهبری، ما که نمی‌توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم، باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند...»

۱۴. از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۲۷ امام (ره) خطاب به شورای عالی قضایی اشاره کرد که در این نامه آمده است:

«بسمه تعالی»

شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

مسائلی را گوش‌زد می‌کنم:

۱- شما که مسئولیت قضایی دارید و بالاترین مرجع قضایی در کشور پنجاه میلیونی می‌باشید نباید به کار دیگری در وقت اداری اشتغال داشته باشید. آیا بهتر نیست تا در وقت غیراداری هم به کار قضایی بپردازید.

۲- تقسیم کار قضایی موجب می‌شود تا بدانیم با چه کسی روبه‌رو هستیم. و ظاهراً این امر ضروری است؛ و حفظ قانون هم در این صورت امکان دارد.

۳- اینجانب تحمل تعطیل حکم خدا را ندارم. اگر کم کاری شود، خود همان‌گونه که در چند مورد اقدام کرده‌ام مستقیماً اقدام می‌نمایم.

من به شما علاقه دارم اما در مقابل تکلیف شرعی نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم.»

برای دیدن سایر نامه‌ها ر.ک: (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۴۱-۲۴۲).

منابع

فارسی

۱. ارسطا، محمدجواد (۱۳۸۹)، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
۲. اصلانی، فیروز و نادر میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۶)، امام خمینی (ره) و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، چ اول.
۳. بهادری جهرمی، محمد (۱۳۹۴)، بایسته‌های تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مفهوم و کارکرد تفسیر در نظام حقوق اساسی، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی).
۴. خلیلی، محسن (۱۳۸۵)، «بایستگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، ش ۱، ۱۳۷۷.
۵. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سیزدهم.
۶. ----- (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ اول، ج ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۰.
۷. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۶۸)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چ اول، ج ۴.
۸. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۶۴)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چ اول، ج ۱.
۹. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی (۱۳۸۰)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۱-۲.
۱۰. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. غنی‌یاری، محسن (۱۳۹۲)، روزشمار تاریخ معاصر ایران جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ بهمن تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۷، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱.
۱۲. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، گامی به سوی عدالت، تهران: میزان، چ دوم، ج ۱.

۱۴. منصوریان، مصطفی (۱۳۹۳)، گزارش پژوهشی دادرسی اساسی تطبیقی؛ فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۱۸۰.
۱۵. نیکونهاد، حامد (۱۳۹۴)، شرح مبسوط قانون اساسی؛ شرح اصل پنجم قانون اساسی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۴۰۰۴۳.
۱۶. ورعی، سید جواد (۱۳۸۵)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۱۷. هاشمی، محمد (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، تهران: میزان، چ نهم، ج ۱.
۱۸. ----- (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چ چهاردهم، ج ۲.

